



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۴۰، زمستان ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵ - ۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱ - ۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

تحلیل وضعیت شاخص‌های نابرابری جنسیتی در کشورهای خاورمیانه با استفاده از تکنیک کوپراس

سهراب امیریان: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
شهرام سلامتی گبلو: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
برهان ویسی‌ناب: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۷

صص ۱۴-۱

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۱

چکیده

نابرابری جنسیتی به تفاوت و تبعیض میان زنان و مردان در هدف‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بهداشتی و غیره اشاره دارد؛ که فرد یا گروه به کمک آن‌ها به قدرت و منزلت می‌رسد. مطالعات نشان می‌دهد که بدون توجه به شرایط زنان، دستیابی به توسعه برای هیچ کشوری میسر نخواهد بود زیرا همواره زنان نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند. هدف پژوهش حاضر تحلیل وضعیت شاخص‌های نابرابری جنسیتی در کشورهای خاورمیانه (۱۶ کشور) است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی - نظری و به لحاظ نوع، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش ۱۶ کشور خاورمیانه می‌باشد. داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق گزارش توسعه انسانی و نابرابری جنسیتی سال ۲۰۱۸ سازمان ملل جمع‌آوری شده است. متغیرهای پژوهش شامل ۶ متغیر: نرخ مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد؛ نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ سال) از هر ۱۰۰۰ زن؛ کرسی‌های پارلمانی کسب شده توسط زنان؛ نرخ مشارکت زنان در بازار کار؛ جمعیت که حداقل به آموزش ثانویه رسیده‌اند (۲۵ سال به بالا) و امید به زندگی میان زنان می‌باشند. جهت وزن‌دهی به متغیرهای پژوهش از روش *AHP* و جهت رتبه‌بندی و ارزیابی وضعیت مطلوبیت شاخص نابرابری جنسیتی در کشورهای خاورمیانه از تکنیک کوپراس استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از ۱۶ کشور خاورمیانه چهار کشور کویت، لیبی، قطر و عربستان ضمن کسب رتبه اول تا چهارم در وضعیت کاملاً مطلوب به لحاظ عدم برخورداری از شاخص نابرابری جنسیتی قرار دارند و به واقع میان زنان و مردان تفاوت و تبعیض بسیار کمی نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه وجود دارد؛ کشورهای یمن و سودان با قرار گرفتن در رتبه‌های آخر در وضعیت کاملاً نامطلوب قرار دارند؛ این مورد نشان‌دهنده تفاوت و تبعیض بسیار زیاد میان مردان و زنان در تمام موارد در این دو کشور می‌باشد. همچنین کشور ایران با نمره کوپراس ۵۴/۵۵۲ درصد در رتبه نهم و وضعیت مطلوبیت متوسط به لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: شاخص نابرابری جنسیتی، سطح‌بندی، تکنیک کوپراس، کشورهای خاورمیانه.

مقدمه:

توسعه، فرآیندی پیچیده و نوعی دگرگونی اجتماعی است که هدف از آن، تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و بهینه است؛ وضعیتی که در آن تمامی آحاد جامعه باید به منابع ارزشمند معرفت، قدرت و ثروت دسترسی پیدا کنند و بهبود و ارتقای سطح زندگی اجتماعی- انسانی و تعالی انسان را به دنبال داشته باشد (Razmey & Kavooosi, 2014: 100). با وصف آنکه توسعه اقتصادی حذف نابرابری جنسیتی را تضمین نمی‌کند (Duflo, 2010: 6). اما توسعه اقتصادی به دلیل ترغیب یکپارچگی اجتماعی، حمایت از سرمایه‌گذاری زنان در سرمایه اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی با درآمدهای نسبتاً بالاتر در بخش کشاورزی، منجر به بهبود شرایط زنان می‌گردد (Seguino et al, 2014: 21). مطالعات بسیاری ارتباط بین جنسیت و توسعه اقتصادی را از اوایل دهه‌ی هفتاد بررسی کرده‌اند. با مروری بر وضعیت زنان در جهان و مقایسه‌ی آن با شرایط مردان، روشن می‌شود که زنان از دیدگاه برخورداری از امکانات و مشارکت فعال در توسعه از آسیب‌پذیرترین بخش‌های جمعیت هستند. همچنین بر اساس شواهد تاریخی، توسعه در عمل فرآیندی بی‌طرف نبوده، به طوری که قالب و مسیر آن تحت تأثیر جانب‌داری جنس‌گرایانه است؛ از این رو نقش و جایگاه زنان در فرآیند توسعه و برخورداری آن‌ها از نتایج، به بخش مهمی از مباحث رشد و توسعه اقتصادی تبدیل شده است (Arora, 2012: 148). جنسیت به تمایزات اجتماعی و فرهنگی رفتارهایی اشاره دارد که به مردان و زنان نسبت داده می‌شود (Open Stax College, 2013: 25) جنسیت اغلب در تمام عرصه‌های برنامه‌ریزی‌های کشوری از جمله بهداشت، سلامت، آموزش، اقتصاد، سیاست و مانند آن نادیده گرفته می‌شود. تبعیض جنسیتی نوعی تمایز جنسیتی در اجتماعی شدن است؛ به عبارت دیگر، تبعیض جنسیتی نگرش‌های تمایز آمیز و نابرابر عوامل اجتماعی کننده در تربیت دختران و پسران است که در این میان، این تمایز به نوعی به ضرر دختران و به نفع پسران بوده و نگاه تبعیضی به‌سوی دختران گرایش بیشتری داشته است. تبعیض جنسیتی موجب نابرابری جنسیتی^۱ می‌شود؛ نابرابری جنسیتی نیز به وضعیتی اشاره دارد که در آن زنان عموماً تحت سلطه مردان جامعه قرار دارند و موقعیت زنان و مردان در جامعه به حوزه خصوصی و عمومی تفکیک و از یکدیگر متمایز می‌شود (Niaca & Javanmarda, 2015: 110). نابرابری جنسیتی، مقوله‌ای است که از سپیده‌دم تاریخ تاکنون همراه بشریت وجود داشته و در هر زمان و در شرایط و فرهنگ‌های مختلف به‌گونه‌ای مطابق با آن شرایط و فرهنگ جلوه نموده است. برابری و نابرابری جنسیتی از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است. در حقیقت آنچه که امروز مسلم گشته است، این است که زنان در طول تاریخ به دلیل وجود نظام پدرسالاری و زن بودن مورد تبعیض و ستم قرار گرفته‌اند و تنها با ظهور انقلاب صنعتی و پیدایش صورت‌بندی مدرن است که زنان فرصت بازاندیشی و نقد جایگاه و موقعیت خود را در جامعه و خانواده بدست آورده‌اند (Shekarbeigi, 2017: 48).

به واقع نابرابری جنسیتی یعنی تفاوت بین جنسیت‌ها از نظر منزلت، قدرت و اعتبار. این مسئله به تفاوت‌های نظام‌مند بین مردان و زنان در بسیاری از حوزه‌ها اشاره دارد که از مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، توانمندی سیاسی و حصول آموزشی تا سلامتی و آسایش متغیر است. مردان و زنان در زندگی اجتماعی خود هدف‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. نابرابری جنسیتی به تفاوت و تبعیض میان زنان و مردان در هدف‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره اشاره دارد که فرد یا گروه به کمک آن‌ها به قدرت و منزلت می‌رسد. شایان ذکر است که نابرابری جنسیتی ابعاد و شاخص‌های مختلفی دارد و بر اساس گزارش انجمن اقتصادی جهانی شامل چهار بعد اقتصادی، آموزشی، سیاسی و بهداشتی است (Safari et al, 2018: 180). بر اساس یافته‌های جدید، نابرابری‌های جنسیتی عاملی مهم در ایجاد شرایطی هستند که با توجه به الزامات و محدودیت‌های اجتماعی و قوانین و نرم‌های اجتماعی و اخلاقی و آداب و رسوم تبعیض‌هایی را علیه زنان نشان می‌دهند. چون موقعیت زنان در جامعه عمیقاً تحت تأثیر شرایط و سطوح توسعه در کشورها است. هرچه کشورها توسعه‌یافته‌تر باشند شکاف بین توسعه‌یافتگی زنان و مردان کاهش می‌یابد. از این رو بهبود وضعیت زنان جزو الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه است. به عبارتی؛ بدون توجه به شرایط زنان، دستیابی به توسعه برای هیچ کشوری میسر نخواهد بود (Khani, 2010: 8) زیرا زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، قلب توسعه اجتماعی - اقتصادی هر ملت می‌باشند (Jaliliyan & Saadi, 2016: 130).

فزون بر این، مطالعات نشان می‌دهد که در جوامع جهانی، زنان در انتخاب‌ها و فرصت‌هایشان با محدودیت‌هایی مواجه هستند که چنین محدودیت‌هایی برای مردان وجود ندارد. شواهد حاکی از آن است که این تفاوت‌های جنسیتی نه تنها به دریافت درآمدهای پایین‌تر برای زنان، فرصت نابرابر در مدرسه رفتن (تحصیل) برای دختران و داشتن شانس انتخاب کم در استخدامی‌ها برای زنان منجر می‌شود؛ بلکه، توانایی انتخاب آنان برای برخورداری از یک زندگی خلاق را نیز با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد (Vafaei, & Tarkarani, 2015).

122). لذا، زنان با فرصت‌ها و انتخاب‌های محدودتری نسبت به مردان، مواجه هستند و این مسأله بر وضعیت فقر آن‌ها اثرگذار است و باعث ایجاد فقر بیشتر برای زنان و تشدید نابرابری‌های موجود می‌شود (Hayati et al, 2017: 212). به طور کلی در هر یک از مراحل توسعه و تحول، نابرابری و شکاف جنسیتی تعدیل می‌شود و تغییرات این شکاف به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری کننده جهت تعیین وضعیت جامعه مورد نظر از حیث سطح توسعه و پیشرفت تبدیل می‌شود. بزرگ و عمیق بودن آن نیز به نوبه خود می‌تواند موجب تأخیر یا کندی حرکت و سیر تحول و پیشرفت شود. توزیع عادلانه‌تر موقعیت‌ها و منابع میان زنان و مردان موجب رشد اقتصادی و بهره‌وری می‌گردد. بررسی مقایسه‌ای کشورها نشان می‌دهد، کشورهایی که در آموزش دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند از نرخ رشد بالاتری برخوردار هستند (Azarbaijani & Mostafae, 2011: 90). ورجولینی معتقد است که افزایش مشارکت در آموزش عالی تا حد بسیار زیادی منجر به برابری و عدالت میان مردان و زنان می‌شود (Vergolini, 2016: 11).

منطقه خاورمیانه بیشتر به خاطر اهمیت ژئوپلیتیک و ذخایر عظیم نفتی جهان مطرح می‌باشد که علی‌رغم مواهب طبیعی فراوان، کشورهای این منطقه از چالش‌های مشترکی رنج برده‌اند که موانع جدی در مسیر توسعه پایدار آن‌ها ایجاد کرده است (Mohamadi & Sobhani, 2018: 100). یکی از مهم‌ترین موانع در فرایند توسعه این کشورها نابرابری‌های جنسیتی و مشارکت نداشتن جدی زنان در فرایند توسعه این کشورها است که جلوی بهره‌برداری از استمدادهای نیمی از جمعیت این کشورها را می‌گیرد. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده در پژوهش حاضر سعی شده است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی وضعیت کشورهای خاورمیانه (۱۶ کشور) بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی با استفاده از تکنیک کوپراس مشخص شود؛ که وضعیت این نابرابری جنسیتی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین با توجه به اهداف مطرح شده؛ پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به سؤال زیر می‌باشد:

۱- وضعیت رتبه‌بندی و سطح‌بندی کشورهای خاورمیانه بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی چگونه می‌باشد؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

بحث لزوم توجه ویژه به مسائل زنان در گفتمان توسعه سازمان ملل برای پیشرفت زنان با آغاز دهه ۱۹۷۵ شدت یافت. تا پیش از ۱۹۷۰ که، با سروپ کتاب برجسته‌اش در مورد زنان و توسعه را منتشر کند، چنین می‌پنداشتند که اثر فرایند توسعه بر زنان و مردان یکسان است، اما پژوهش در مورد زنان در کشورهای در حال توسعه مفاهیم بنیادین توسعه را به چالش فراخواند و سپس جنسیت را به بررسی فرایند توسعه افزود (Abbas Zadeh, 2015, 100). بنابراین در زمینه وجود نابرابری بین زن و مرد در ابعاد مختلف مطالعات ارزشمندی انجام شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

واعظ برزانی و حاتمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان اثر برابری جنسیتی آموزشی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه (۲۰۰۰-۰۶) مدل سیستم هم‌زمان، نشان دادند که بهبود برابری جنسیتی آموزشی تسریع کننده‌ی رشد اقتصادی است که به طور مستقیم به واسطه‌ی تأثیر آن بر انباشت سرمایه‌ی انسانی و به طور غیرمستقیم از طریق تنظیم رشد جمعیت و توسعه‌ی سرمایه‌گذاری حاصل شده است. بنابراین لازم است کشورهای در حال توسعه با اتخاذ سیاست‌های مناسب و در نظر گرفتن نقش زنان در توسعه‌ی اقتصادی، زمینه‌های ارتقاء برابری جنسیتی در جهت رشد اقتصادی را فراهم نماید. رزمی و کاوسی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط U وارونه بین نابرابری جنسیتی و درآمد سرانه وجود دارد. همچنین ارتباط معکوسی بین نابرابری جنسیتی با صادرات و ارتباط مستقیمی با سهم بخش صنعت در اقتصاد مشاهده شد. خیری دوست و نصیری (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن دریافتند که ایران به لحاظ شاخص‌های توسعه زنان در ردیف‌های انتهایی جدول کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار دارد، اما ملاحظه اجزای این شاخص گویای آن است که ایران در زمینه شاخص‌های سلامتی و آموزش زنان از متوسط جهانی و متوسط کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا بهتر عمل کرده است. افشاری و کاکاوند (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، بهره‌وری و باروری در ایران نشان دادند که باروری بالاتر با توجه به افزایش زمان اختصاص یافته به کار خانگی ذخیره انسانی اندوخته شده را کاهش و در نتیجه مشارکت زنان در کار بازاری را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر افزایش نابرابری جنسیتی از طریق کاهش زمان اختصاص یافته به کار بازاری و تخصیص بیشتر زمان به کار خانگی موجب افزایش نرخ باروری شده است. فطرس و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر برابری جنسیتی در اشتغال جوانان در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسیدند که تولید ناخالص داخلی، برابری جنسیتی در

آموزش ابتدایی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دموکراسی، شاخص جهانی‌سازی سیاسی، مخارج دولت، سرمایه‌گذاری داخلی، سهم جمعیت شهری، سهم زنان از جمعیت، رشد جمعیت، تعداد کاربران موبایل به‌عنوان متغیر جانشین زیر ساخت در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات و کشورهای صادرکننده نفتی دارای اثرگذاری منفی بر روی برابری جنسیتی در اشتغال جوانان هستند. در میان متغیرهای نامبرده اثرگذاری رشد جمعیت، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی حائز اهمیت است. شوهانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تحلیل تطبیقی وضعیت نابرابری جنسیتی در کشورهای شبه‌قاره هند؛ یافته‌هایشان را در دو جنبه ارائه داده‌اند؛ جنبه اول در سطح جهانی بیانگر آن است که در میان کشورهای شبه‌قاره، در طول این سه دور هیچ کشوری وضعیت مناسبی را ندارد که این نشان‌دهنده فاصله این کشور و کشورهای دیگر با استانداردهای جهانی است. جنبه دوم در سطح منطقه‌ای بیانگر آن است که در طول این سه دوره با وجود آنکه همواره کشورهای شبه‌قاره پیشرفت نسبی به لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی داشته‌اند اما همواره رتبه آن‌ها در سطح منطقه تغییری نکرده، کشور میانمار در رتبه اول و هند در رتبه آخر قرار گرفته‌اند. بورت^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای بر روی نقش زن در بازار کار انگلستان در دوران انقلاب صنعتی بیان می‌دارد که تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسیتی موجود در گروه‌های شغلی و همچنین دستمزد برخلاف تصور عموم در نتیجه رسوم و سنت جامعه نبوده، بلکه این تفاوت‌ها تا اندازه زیادی توسط نیروهای حاکم بر بازار رقم خورده است. به‌این‌ترتیب که وارد شدن زنان به کارهایی که زور بازوی کمتری می‌خواهد، هم سلطه مردان بر بازار را کاهش داد و هم شکاف دستمزد را کمتر کرده است. چنین تفکیکی در بازار کار کارایی بازار را افزایش و شکاف دستمزد را کاهش داده است. ژوکسکا^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت‌های دستمزدی بین زنان و مردان با بهره‌وری برابر در بازار کار لهستان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان از تفاوت معنی‌داری بین دستمزد ماهانه مردان و زنان دارد. آرورا^۳ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی نابرابری جنسیتی، توسعه اقتصادی و جهانی‌شدن برای کشور هندوستان طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۶ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اگر در صورتی درآمد سرانه افراد پایین‌تر از سطح درآمد ملی باشد، این درآمد سرانه پایین‌تر با نابرابری جنسیتی بالاتری همراه است که بر رشد و توسعه اقتصادی کشور هندوستان تأثیر منفی دارد. هاکورا و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی اختلاف جنسیتی و رشد اقتصادی برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا، طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۰ پرداختند. نتایج مطالعه گویای این مطلب است که هر دو اختلاف درآمدی و جنسیتی، از جمله محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت قانونی، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی در این کشورها داشته و البته این نتایج برای کشورهای با درآمد پایین‌تر نمود بیشتری داشته است.

پیشینه‌های مطرح شده از مهم‌ترین منابع برای فهم چرایی نابرابری جنسیتی و منابع مهمی برای یافتن شاخص‌های مربوط به نابرابری جنسیتی بوده‌اند؛ از مهمترین وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های بررسی شده بهره‌گیری از روش *AHP* (مقایسه دو به دو) بر اساس نظر کارشناسان برای وزن‌دهی به شاخص‌های نابرابری جنسیتی و استفاده از تکنیک کوپراس برای اولین بار در زمینه سنجش شاخص‌های نابرابری جنسیتی بوده است. مباحث ظری درباره تفاوت و نابرابری جنسیتی در نگاهی کلی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های جنسیت را به دو دسته تقسیم می‌کنند که تا حدی بر نوعی تقدم تاریخی نیز مبتنی است:

۱. دیدگاه‌های مبتنی بر تفاوت و تمایز جنسی؛ ۲. دیدگاه مبتنی بر نابرابری جنسی.

دیدگاه‌های مبتنی بر تفاوت جنسی مقدم بر نابرابری جنسی هستند و در واقع در زمره اولین رویکردهای نظری به مسئله جنسیت به شمار می‌آیند. امروزه، دیدگاه‌های تفاوت جنسی در برابر رویکردهای نابرابری جنسی نقشی حاشیه‌ای دارند؛ اگرچه بر شکل‌گیری نظریه‌های فمینیسم بسیار تأثیر گذاشته‌اند. تمام تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و کارکردی و حتی برخی مباحث دیدگاه کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی و اتنو‌متدولوژی معطوف به توجیه تفاوت‌ها و تمایزهای جنسی میان زنان و مردان است. دیدگاه دیگر، رویکرد نابرابری جنسی است که اصل تفاوت و تمایز میان دو جنس را از هر نظر، به‌ویژه زیست‌شناختی و روان‌شناختی می‌پذیرد؛ اما آن را عادلانه و قابل برطرف شدن می‌داند. به همین دلیل به نوعی، رسالت دفاع از حقوق زنان و مبارزه تساوی طلبانه برای خود قائل است. در این دیدگاه می‌توان نظریه‌های فمینیستی، لیبرال، مارکسیستی لیبرال، مارکسیستی، سوسیالیستی، رادیکال و روانکاوانه را قرار داد (Pourtaheri & Pourverdi, 2009: 122-123). نظریات درباره نابرابری‌های جنسیتی این نکته را روشن می‌کند که نابرابری‌های جنسیتی ناشی از عوامل

1. Burnette
2. Zajkowska
3. Arora
4. Hakura

ساختاری هستند که می‌توانند اقتصادی، سیاسی، هنجاری و یا همه آن‌ها باشند (Zanjani Zadeh, 2005: 57). آمارتیا سن (۲۰۰۱)، نابرابری جنسیتی را به هفت صورت زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- نابرابری در مرگ‌ومیر: در برخی از مناطق جهان، نابرابری بین زنان و مردان مستقیماً با مرگ و زندگی آنان همراه است و نرخ مرگ‌ومیر زنان به طور گسترده‌ای از نرخ مرگ‌ومیر مردان بیشتر است. ۲- نابرابری در زاد و ولد: در بسیاری از جوامع هنوز این تفکر وجود دارد که نوزاد پسر را بر نوزاد دختر ترجیح می‌دهند. ۳- نابرابری در تسهیلات اساسی: در بسیاری از امکانات و تسهیلات اساسی، سرانه زنان بسیار کمتر از سرانه مردان است. ۴- نابرابری در فرصت‌های ویژه: حتی وقتی تفاوت نسبت کمی در تسهیلات اساسی مثل تحصیلات بین زنان و مردان وجود دارد، فرصت‌های خاصی مثل آموزش عالی برای مردان جوان بسیار بیشتر از زنان جوان است. این تفاوت در فرصت‌های خاص حتی در کشورهای ثروتمند مثل اروپا و آمریکای شمالی نیز قابل مشاهده است. ۵- نابرابری حرفه‌ای: در بحث اشتغال، معمولاً ارتقاء در کار و حرفه برای زنان کمتر از مردان صورت می‌گیرد. ۶- نابرابری در مالکیت: در بسیاری از جوامع، مالکیت دارایی‌ها نیز می‌تواند بسیار نابرابر باشد؛ حتی دارایی‌های اساسی مثل خانه و زمین نیز ممکن است بسیار ناعادلانه توزیع شده باشد. ۷- نابرابری در خانواده: توجه این مقاله بر نابرابری جنسیتی در سرمایه انسانی است که جزء مهم آن، آموزش است (Salehi et al, 2012: 29-30).

شاخص نابرابری جنسی نابرابری‌های جنسیتی را در سه بعد: الف- بهداشت عمومی: به واسطه امید به زندگی زنان؛ مرگ و میر زنان به هنگام زاد و ولد (در ۱۰۰ هزار تولد) و نرخ باروری (مادران کم سن و سال در رنج سنی ۱۵ تا ۱۹ سال) سنجیده می‌شود. ب- توانمندی: که از دو جنبه سیاسی و آموزشی با استفاده از متغیرهای سهم کرسی‌های پارلمانی کسب شده توسط هر جنس و نیل به آموزش‌های ثانویه (دبیرستان) و بالاتر در هر جنس (درصد نمایندگان زن در مجلس و درصد زنانی که به تحصیلات متوسطه و عالی دست پیدا کرده‌اند) سنجیده می‌شود. پ- فعالیت اقتصادی: با استفاده از نرخ مشارکت بازار کار برای هر جنس (درصد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی است) به دست می‌آید (UNDP: 2018: 120). شاخص نابرابری جنسی، جایگزین شاخص توسعه جنسی و شاخص توانمندسازی جنسی گردیده است. این شاخص نشانگر افت در توسعه انسانی در نتیجه نابرابری بین فعالیت‌های زنان و مردان در هر سه بعد (بهداشت عمومی، توانمندی، مشارکت در فعالیت اقتصادی) می‌باشد. مهم‌ترین مزیت این شاخص آن است که اجازه نمی‌دهد بهبود در یک بعد، کاهش چشم‌گیر در بعد دیگر را پوشش دهد. هدف از طراحی این شاخص این است که نشان دهد دستاوردهای ملی در بخش توسعه انسانی تا چه اندازه بر اساس نابرابری جنسیتی از بین رفته است (Kheyredoset & Nasiri, 2015: 53).

مواد و روش تحقیق:

تحقیق حاضر به لحاظ نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف کاربردی - نظری می‌باشد. که از روش توصیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مستخرج از اسناد و مدارک علمی معتبر و در تحلیل این شاخص‌ها در کشورهای مورد مطالعه، از روش تحلیلی استفاده شده است. این مطالعه تطبیقی بر اساس گزارش توسعه انسانی و شاخص نابرابری جنسیتی برنامه توسعه سازمان ملل سال ۲۰۱۸ انجام شده است بنابراین داده‌های مورد نیاز بر اساس این گزارش‌ها تهیه شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۶ کشور خاورمیانه می‌باشد (ایران؛ ترکیه؛ سوریه؛ عراق؛ لبنان؛ اردن؛ کویت؛ عمان؛ امارات؛ قطر؛ عربستان؛ یمن؛ تونس؛ لیبی؛ مصر و سودان) که بر اساس منابع مختلف که به بررسی و مطالع کشورهای خاورمیانه پرداخته‌اند لیست این کشورها انتخاب شده‌اند. داده‌های مربوط به شاخص نابرابری جنسیتی که شامل ۶ متغیر اصلی بر اساس گزارش سازمان ملل؛ در ابعاد اقتصادی؛ اجتماعی؛ سیاسی و بهداشتی می‌باشد (جدول ۱). همچنین در این پژوهش از روش AHP^+ (مقایسه دو به دو) برای وزن دهی و مشخص کردن درجه اهمیت متغیرها استفاده شده است و در نهایت از تکنیک کوپراس جهت رتبه‌بندی و سطح‌بندی کشورهای منطقه خاورمیانه به لحاظ وضعیت نابرابری جنسیتی استفاده شده است. روش کوپراس، یکی از روش‌های تصمیم‌گیری است و برای اولویت‌بندی یا رتبه‌بندی گزینه‌های گوناگون به کار می‌رود و برای این کار از وزن معیارها استفاده می‌کند. اولین بار این روش را برای تعیین اولویت و درجه مؤثر بودن گزینه‌ها توسعه دادند. این روش، برای ارزیابی ارزش هر دو معیار کمینه و بیشینه به کار می‌رود و تأثیر معیارهای کمینه و بیشینه روی ارزیابی نتایج، به صورت جداگانه در نظر گرفته

4. Amartya Sen

۲- در تحقیق حاضر برای تعیین وزن معیارها از روش مقایسه‌ای دو بدو که در ذیل روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده به عمل آمد. در این روش، تا اندازه زیادی از پیچیدگی مفهومی مطرح در تصمیم‌گیری کاسته می‌شود، زیرا در هر زمان معین تنها دو مؤلفه، مورد توجه قرار می‌گیرند. بدیهی است که وزن دادن به شاخص‌ها در مقایسات زوجی راحت‌تر و مطمئن‌تر از حالات دیگر می‌باشد همچنین استفاده از این مدل در جریان وزن دهی باعث می‌شود تا در ضمن ارزیابی، تعصبات دخیل نباشد (Mahmoodzadeh et al, ۲۰۰۷: ۳۳۵)

می‌شود. همچنین این روش، در عین سادگی بسیار کاربردی و قدرتمند است و برای محاسبه آن نیازی به عملیات پیچیده ریاضی نیست (Faraji Sabokbar et al, 2014: 570).

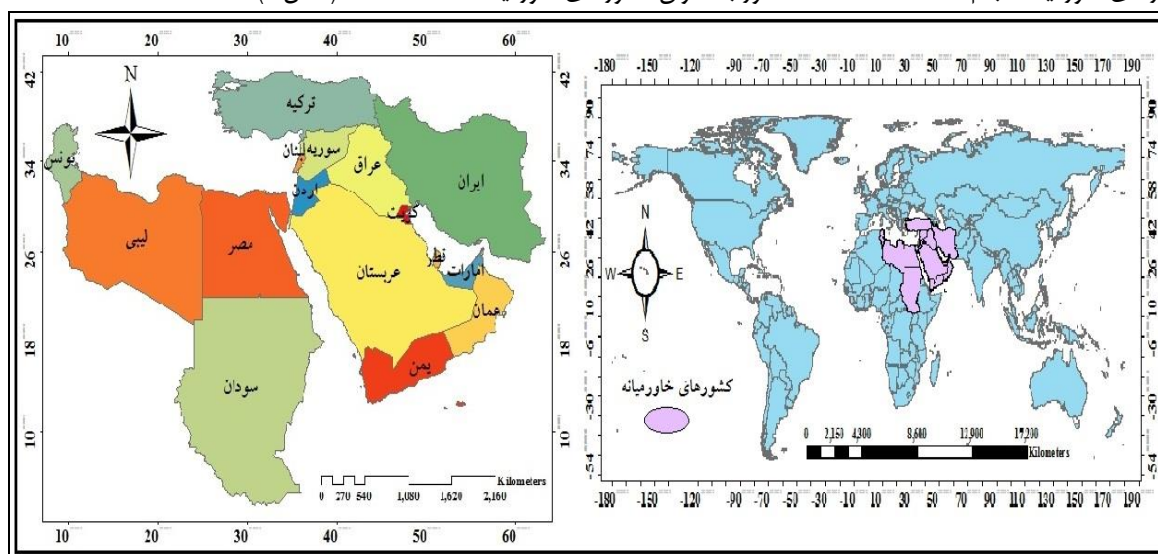
جدول ۱- متغیرهای مربوط به شاخص نابرابری جنسیتی و داده‌های مربوط به هر کشور

کشور	نرخ مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد A	نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ سال) از هر ۱۰۰۰ زن B	کرسی‌های پارلمانی کسب شده توسط زنان C	نرخ مشارکت زنان در بازار کار D	جمعیت که حداقل به آموزش ثانویه رسیده‌اند (۲۵ سال به بالا) E	امید به زندگی میان زنان F
ایران	۲۵	۲۵	۵,۹	۱۶,۸	۶۵,۸	۷۷,۳۳
ترکیه	۱۶	۲۵,۸	۱۴,۶	۳۲,۴	۴۴,۹	۷۹,۲
سوریه	۶۸	۳۸,۶	۱۳,۲	۱۱,۹	۳۷,۱	۷۷,۴
عراق	۵۰	۸۰,۱	۲۵,۳	۱۸,۷	۳۸,۷	۷۲,۳
لبنان	۱۵	۱۱,۸	۳,۱	۲۳,۲	۵۳	۸۱,۶
اردن	۵۸	۲۲,۴	۱۵,۴	۱۴	۸۱,۴	۷۶,۳
کویت	۴	۹	۳,۱	۴۷,۴	۵۴,۸	۷۶,۱
عمان	۱۷	۷,۱	۸,۸	۳۰,۲	۷۳,۴	۷۹,۷
امارات	۶	۲۸,۴	۲۲,۵	۴۰,۹	۷۸,۸	۷۸,۹
قطر	۱۳	۹,۹	۹,۸	۵۸,۱	۷۰,۹	۸۰
عربستان	۱۲	۷,۸	۱۹,۹	۲۲,۳	۶۷,۸	۷۶,۵
یمن	۳۸۵	۶۰,۴	۰,۵	۶	۱۸,۷	۶۶,۶
تونس	۶۲	۷,۷	۳۱,۳	۲۴,۳	۴۱,۲	۷۸
لیبی	۹	۵,۷	۱۶	۲۵,۸	۶۹,۴	۷۵,۱
مصر	۳۳	۵۰	۱۴,۹	۲۲,۲	۵۸,۲	۷۴
سودان	۳۱۱	۶۴	۳۱	۲۳,۶	۱۴,۷	۶۶,۳

Source: (UNDP, 2018)

محدوده مورد مطالعه:

فرهنگ جغرافیایی جدید وستر، خاورمیانه را این‌گونه تعریف کرده است: منطقه گسترده که در برگیرنده کشورهای جنوب آسیا و شمال آفریقا است که در گذشته شامل افغانستان، پاکستان، هندوستان و برمه نیز می‌شده است (Safarelizadeh et al, 2018: 4). در حال حاضر تعریف مشخصی برای این کشورها در سطح جهان شناخته شده نمی‌باشد. بنابراین در این پژوهش بر اساس مطالعات مختلفی که در زمینه کشورهای خاورمیانه انجام شده است تعداد ۱۶ کشور به عنوان کشورهای خاورمیانه شناخته شده‌اند (شکل ۱).



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی کشورهای خاورمیانه؛ Source: Authors, 2019

بحث و ارائه یافته‌ها:

در این پژوهش از ۶ متغیر (نرخ مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد؛ نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ سال) از هر ۱۰۰۰ زن؛ کرسی‌های پارلمانی کسب شده توسط زنان؛ نرخ مشارکت زنان در بازار کار؛ جمعیت که حداقل به آموزش ثانویه رسیده‌اند (۲۵ سال به بالا) و امید به زندگی میان زنان) که توسط سازمان ملل برای سنجش وضعیت شاخص نابرابری جنسیتی برای کشورهای مختلف استفاده می‌شود؛ استفاده شده است که این شاخص‌ها و داده‌های مربوط به آن در جدول شماره ۱ آمده است. مراحل روش کوپراس به ترتیب زیر می‌باشد: گام اول: تعیین وزن معیارها با یکی از روش‌های معمول مانند آنتروپی، فرایند سلسله مراتبی، فولر و ... (در این پژوهش از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی برای مشخص کردن وزن متغیرها استفاده شده است) (جدول ۲).

جدول ۲- وزن مربوط به متغیرهای پژوهش بر اساس روش AHP

متغیر	A	B	C	D	E	F
وزن	۰/۲۵۱	۰/۱۹۴	۰/۲۱۹	۰/۱۸۵	۰/۱۷۸	۰/۱۶۷

Source: Rresearch findings, 2019

گام دوم: تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری؛ (جدول ۱).

گام سوم: تشکیل ماتریس وزن‌دار که مانند رابطه زیر؛ مقادیر هر گزینه در وزن آن‌ها ضرب و بر مجموع مقادیر تقسیم می‌شود: (جدول ۳).

بر این اساس q_i برابر با وزن هر معیار $\sum X_{ij}$ مجموع معیارها برای هر گزینه می‌باشد و X_{ij} داده مربوط به هر متغیر می‌باشد.

جدول ۳- ماتریس نرمالیزه شده متغیرهای مربوط به شاخص نابرابری جنسیتی

کشور	A	B	C	D	E	F
ایران	۰/۰۲۹۰	۰/۰۲۳۴	۰/۰۵۹۸	۰/۰۱۴۴	۰/۰۵۴۲	۰/۰۵۹۸
ترکیه	۰/۰۱۸۸	۰/۰۲۳۵	۰/۰۱۵۰	۰/۰۲۸۱	۰/۰۳۷۵	۰/۰۶۲۱
سوریه	۰/۰۶۹۳	۰/۰۳۰۴	۰/۰۱۱۷	۰/۰۰۸۹	۰/۰۲۶۸	۰/۰۵۲۵
عراق	۰/۰۴۴۰	۰/۰۵۴۵	۰/۰۱۹۴	۰/۰۱۲۱	۰/۰۲۴۱	۰/۰۴۲۳
لبنان	۰/۰۲۰۰	۰/۰۱۲۱	۰/۰۰۳۶	۰/۰۲۲۸	۰/۰۵۰۲	۰/۰۷۲۶
اردن	۰/۰۵۴۴	۰/۰۱۶۲	۰/۰۱۲۶	۰/۰۰۹۶	۰/۰۵۴۱	۰/۰۴۷۶
کویت	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۸۹	۰/۰۰۳۴	۰/۰۴۵۱	۰/۰۵۰۱	۰/۰۶۵۳
عمان	۰/۰۱۹۷	۰/۰۰۶۳	۰/۰۰۸۹	۰/۰۲۵۸	۰/۰۶۰۴	۰/۰۶۱۵
امارات	۰/۰۰۵۸	۰/۰۲۱۵	۰/۰۱۹۲	۰/۰۲۹۶	۰/۰۵۴۸	۰/۰۵۱۵
قطر	۰/۰۱۳۵	۰/۰۰۷۹	۰/۰۰۸۸	۰/۰۴۴۴	۰/۰۵۵۲	۰/۰۵۵۲
عربستان	۰/۰۱۴۶	۰/۰۰۷۳	۰/۰۲۱۱	۰/۰۱۹۹	۰/۰۵۸۴	۰/۰۶۱۹
یمن	۰/۱۷۹۸	۰/۰۲۱۸	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۶۱	۰/۰۲۰۷
تونس	۰/۰۶۳۶	۰/۰۰۶۱	۰/۰۲۸۰	۰/۰۱۸۳	۰/۰۲۹۹	۰/۰۵۳۲
لیبی	۰/۰۱۱۲	۰/۰۰۵۵	۰/۰۱۷۴	۰/۰۲۳۷	۰/۰۶۱۴	۰/۰۶۲۳
مصر	۰/۰۳۲۸	۰/۰۳۸۴	۰/۰۱۲۹	۰/۰۱۶۲	۰/۰۵۱۰	۰/۰۴۸۹
سودان	۰/۱۵۲۸	۰/۰۳۴۳	۰/۰۱۳۲	۰/۰۰۸۵	۰/۰۰۵۱	۰/۰۲۱۶

Source: Rresearch findings, 2019

گام چهارم: پس از نرمالیزه کردن متغیرها، محاسبه $\sum S_j^+$ و $\sum S_j^-$ انجام گرفت. بدین منظور برای هر کشور شاخص‌های مثبت و منفی را محاسبه می‌کنیم (جدول ۵). منظور از متغیرهای مثبت یا سازگار، متغیری است که با افزایش مقدار آن، میزان مطلوبیت آن نیز افزایش می‌یابد؛ و منظور از متغیرهای منفی یا ناسازگار، متغیرهای هستند که با افزایش مقدار آن، میزان مطلوبیت آن کاهش پیدا می‌کند. در پژوهش حاضر از ۶ متغیر مربوطه دو متغیر نرخ مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد و نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ سال) از هر ۱۰۰۰ زن متغیرهای منفی هستند و ۴ متغیر دیگر کرسی‌های پارلمانی کسب شده توسط زنان؛ نرخ مشارکت زنان در بازار کار؛ جمعیت که حداقل به آموزش ثانویه رسیده‌اند (۲۵ سال به بالا) و امید به زندگی میان زنان متغیرهای مثبت و سازگارند.

گام پنجم: محاسبه کردن Q_j بر اساس معیارهای مثبت و معیارهای منفی: (جدول ۵).

گام ششم: مشخص کردن آترناتیوی است که بهترین وضعیت را در بین متغیرها دارد. هرچقدر مقدار Q_j یک گزینه بالاتر باشد؛ مقدار N_j آن نیز بالاتر خواهد بود. این مقدار به صورت درصد بیان می‌شود؛ یعنی مقدار کلی آن از ۰ تا ۱۰۰ محاسبه می‌شود.

همچنین در نهایت برای مشخص کردن وضعیت شاخص نابرابری جنسیتی و سطح بندی کردن آن بر اساس متغیرهای پژوهش از دیدگاه پرسکات و آن استفاده شده است (جدول ۴) (شکل ۲). همان گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد کشور کویت در رتبه اول و بالاترین وضعیت مطلوبیت در عدم برخورداری از شاخص‌های نابرابری جنسیتی قرار می‌گیرد به این معنی که نابرابری جنسیتی میان مردان و زنان در کشور کویت در کمترین حالت ممکن قرار دارد و در بسیاری از موارد مردان و زنان در زمینه متغیرهای پژوهش از حقوق برابری در زمینه آموزش؛ بهداشت و اقتصاد نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه برخوردارند. بعد از کشور کویت سه کشور لیبی، قطر و عربستان به ترتیب با مقادیر کوپراس ۹۲/۴۷۹؛ ۸۱/۶۴۳ و ۸۱/۱۹۰ درصد ضمن قرار گرفتن در جایگاه‌های دوم تا چهارم در وضعیت کاملاً مطلوب در عدم برخورداری از شاخص‌های نابرابری جنسیتی قرار می‌گیرند و همراه کشور کویت در گروه کشورهای کاملاً مطلوب قرار می‌گیرند؛ به واقع تبعیض و تفاوت بین مرد و زن در این گروه در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین‌تر می‌باشد. گروه کشورهای که در وضعیت نسبتاً مطلوب به لحاظ عدم برخورداری از شاخص نابرابری جنسیتی هستند شامل ۴ کشور؛ یعنی ۲۵ درصد کشورها به این شرح می‌باشند؛ کشور عمان با ضریب کوپراس ۷۴/۴۶۷ درصد در رتبه پنجم؛ کشور امارات با ضریب کوپراس ۷۲/۸۷۶ درصد در رتبه ششم و کشورهای لبنان، و ترکیه به ترتیب با ضرایب کوپراس ۶۷/۳۶۰ و ۶۰/۰۶۵ در رتبه‌های هفتم و هشتم قرار می‌گیرند. کشور ایران به عنوان اولین کشور همراه با سه کشور تونس؛ اردن و مصر در گروه کشورهای که در وضعیت متوسط به لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی هستند؛ قرار می‌گیرند. ضرایب کوپراس این کشورها به ترتیب ۵۴/۵۵۲؛ ۴۹/۲۹۴؛ ۴۷/۶۴۸ و ۴۶/۰۴۷ درصد می‌باشد که این کشورها جایگاه‌های نهم تا دوازدهم را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهای سوریه و عراق که کشورهای جنگ‌زده‌ای هستند مشترکاً در گروه کشورهای نسبت نامطلوب به لحاظ عدم برخورداری از شاخص نابرابری جنسیتی قرار می‌گیرند و در نهایت کشورهای سودان و یمن در رتبه‌های آخر (رتبه ۱۵ و ۱۶) قرار گرفته‌اند و در گروه کشورهای کاملاً در وضعیت نامطلوب در زمینه تبعیض و نابرابری بین زن و مرد قرار می‌گیرند طوری که تفاوت بین مرد و زن در حداکثر حالت خود قرار دارد و همواره مردان نسبت به زنان در تمام امور کامل برتری دارند.

کشورهای خاورمیانه از جمله: سوریه، یمن و عراق بر اثر جنگ ویرانگر در شاخص‌های انسانی و جنسیتی افت زیادی کرده‌اند چرا که هنوز کشورهای این حوزه نتوانستند وضع شاخص‌های رفاه اجتماعی و جنسیتی خود را بهبود بخشند. ناگفته نماند شاخص رفاه در سوریه و عراق حتی قبل از پیشروی و پاگیری داعش، روند نزولی داشت. علت این روند تضعیف جوامع این کشورها است که از سست شدن توانمندی خانواده‌ها و کمک‌های اجتماعی از سوی دولت، رشد فراینده بیکاری، بی‌ثباتی اقتصادی، نارضایتی از سطح آزادی‌های فردی و بالا رفتن نگرانی شهروندان ناشی می‌شود. همچنین می‌توان تأکید داشت که آسیب‌پذیری‌های اجتماعی به حوزه فعالیت‌های داعش و به کشورهای عراق سوریه محدود نمی‌شود و این پوش نوارها را می‌توان به درجات مختلف در اغلب کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی مشاهده کرد.

جدول ۴- مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی مطلوبیت از دیدگاه پرسکات آن

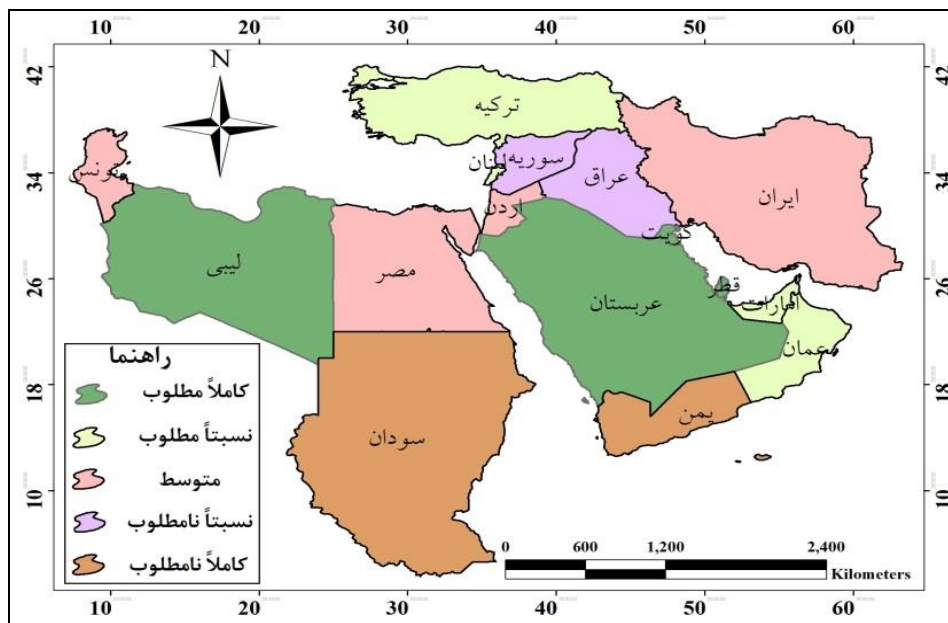
ارزش	۰ - ۲۰	۲۰ - ۴۰	۴۰ - ۶۰	۶۰ - ۸۰	۸۰ - ۱۰۰
وضعیت مطلوبیت	کاملاً نامطلوب	نسبت نامطلوب	متوسط	نسبت مطلوب	کاملاً مطلوب

Source: Shohani et al, 2018: 242

جدول ۵- نتایج ارزیابی مدل کوپراس برای رتبه‌بندی و سطح‌بندی وضعیت شاخص نابرابری جنسیتی در کشورهای خاورمیانه

کشور	S_j^+	S_j^-	Q_j	N_j	رتبه	وضعیت
ایران	۰/۱۳۴۴	۰/۰۵۱۴	۰/۱۷۹۹	۵۴/۵۵۲	۹	متوسط
ترکیه	۰/۱۴۲۸	۰/۰۴۲۳	۰/۱۹۸۰	۶۰/۰۶۵	۸	نسبت مطلوب
سوریه	۰/۱۰۰۰	۰/۰۹۹۷	۰/۱۲۳۴	۳۷/۴۳۹	۱۳	نسبت نامطلوب
عراق	۰/۰۹۸۰	۰/۰۹۸۵	۰/۱۲۱۷	۳۶/۹۱۹	۱۴	نسبت نامطلوب
لبنان	۰/۱۴۹۳	۰/۰۳۲۱	۰/۲۲۲۱	۶۷/۳۶۰	۷	نسبت مطلوب
اردن	۰/۱۲۴۰	۰/۰۷۰۶	۰/۱۵۷۱	۴۷/۶۴۸	۱۱	متوسط
کویت	۰/۱۶۴۰	۰/۰۱۴۱	۰/۳۳۹۷	۱۰۰	۱	کاملاً مطلوب
عمان	۰/۱۵۶۰	۰/۰۲۶۱	۰/۲۴۵۵	۷۴/۴۶۷	۵	نسبت مطلوب
امارات	۰/۱۵۵۰	۰/۰۲۷۴	۰/۲۴۰۳	۷۲/۸۷۶	۶	نسبت مطلوب
قطر	۰/۱۶۰۰	۰/۰۲۱۴	۰/۲۶۹۲	۸۱/۶۴۳	۳	کاملاً مطلوب
عربستان	۰/۱۶۱۰	۰/۰۲۱۹	۰/۲۶۷۷	۸۱/۱۹۰	۴	کاملاً مطلوب
یمن	۰/۰۲۹۱	۰/۲۰۱۰	۰/۰۴۰۷	۱۲/۳۵۲	۱۶	کاملاً نامطلوب
تونس	۰/۱۲۹۰	۰/۰۶۹۷	۰/۱۶۲۵	۴۹/۲۹۴	۱۰	متوسط
لیبی	۰/۱۶۵۰	۰/۰۱۶۷	۰/۳۰۴۹	۹۲/۴۷۹	۲	کاملاً مطلوب
مصر	۰/۱۱۹۰	۰/۰۷۱۲	۰/۱۵۱۸	۴۶/۰۴۷	۱۲	متوسط
سودان	۰/۰۴۸۶	۰/۱۷۷۰	۰/۰۶۱۸	۱۸/۷۴۴	۱۵	کاملاً نامطلوب

Source: Rresearch findings, 2019



شکل ۲- نقشه سطح‌بندی وضعیت مطلوبیت کشورهای خاورمیانه بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی Source: Authors, 2019

نتیجه‌گیری:

نابرابری جنسیتی مؤلفه بارز حیات اجتماعی انسان‌ها در طی یک قرن گذشته بوده است. اجماع نظر گسترده، ولی نه جهان‌شمول در خصوص برتری مردان بر زنان، در همه جوامع وجود دارد. باین‌حال، پر واضح است که در میزان و ماهیت نابرابری جنسیتی در جوامع گوناگون تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد؛ حتی در جوامعی که به لحاظ فرهنگی تساوی طلب هستند می‌توان سلطه مردان و خصومت جنسی را مشاهده کرد و در بیشتر جوامع مردسالار ممکن است زنان قدرت، اقتدار، استقلال و پرستیژ بسیاری برای خود فراهم آورند؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی و رتبه‌بندی کشورهای خاورمیانه به لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی در پی پاسخ دادن به این سؤال که (وضعیت رتبه‌بندی و سطح‌بندی کشورهای خاورمیانه بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی چگونه می‌باشد؟) بود. در وهله اول برای پاسخ دادن به این سؤال متغیرهای و داده‌های مربوط به شاخص نابرابری جنسیتی که شامل شش مورد: نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار

تولد؛ نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ سال) از هر ۱۰۰۰ زن؛ کرسی‌های پارلمانی کسب‌شده توسط زنان؛ نرخ مشارکت زنان در بازار کار؛ جمعیت که حداقل به آموزش ثانویه رسیده‌اند (۲۵ سال به بالا) و امید به زندگی میان زنان بود؛ با مراجعه به گزارش‌های توسعه انسانی و نابرابری جنسیتی سازمان ملل جمع‌آوری و در مرحله بعدی با استفاده از تکنیک کوپراس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت نابرابری جنسیتی در کشورهای خاورمیانه در ۵ سطح: وضعیت کاملاً مطلوب، وضعیت مطلوب، وضعیت متوسط، وضعیت نسبت نامطلوب و وضعیت کاملاً نامطلوب قابل تقسیم‌بندی است. در این رابطه یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کشورهای همانند سوریه، عراق و یمن که درگیر جنگ و به واقع کشورهای جنگ‌زده هستند در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند و به واقع نابرابری جنسیتی و تفاوت و تبعیض میان مردان و زنان در این کشورها بسیار بالا می‌باشد زیرا این کشورها به ترتیب (سوریه؛ عراق و یمن) به ترتیب با مقدار کوپراس ۳۷/۴۳۹؛ ۳۶/۹۱۹ و ۱۲/۳۵۲ درصد ضمن قرار گرفتن در رتبه‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۶ در وضعیت بحرانی به لحاظ این شاخص قرار دارند. همچنین کشور سودان نیز در این گروه قرار می‌گیرد و وضعیت مناسبی ندارد. بیشتر کشورهای حوضه خلیج فارس که دارای درآمد مناسب نفتی و جمعیت کمی می‌باشند در وضعیت مناسبی قرار دارند و اختلاف بین زن و مرد در این کشورها در زمینه متغیرهای مطرح شده در پژوهش ناچیز می‌باشد؛ در این میان چهار کشور کویت، لیبی، قطر و عربستان در وضعیت کاملاً مناسب (در عدم برخورداری از شاخص‌های نابرابری جنسیتی) و رتبه ۱ تا ۴ و کشور عمان با ضریب کوپراس ۷۴/۴۶۷ درصد در رتبه پنجم؛ کشور امارات با ضریب کوپراس ۷۲/۸۷۶ درصد در رتبه ششم و کشورهای لبنان، و ترکیه به ترتیب با ضرایب کوپراس ۶۷/۳۶۰ و ۶۰/۰۶۵ در رتبه‌های هفتم و هشتم قرار می‌گیرند و از وضعیت نسبت مطلوبی برخوردار هستند. همچنین کشور ایران با نمره کوپراس ۵۴/۵۵۲ درصد در رتبه نهم و وضعیت مطلوبیت متوسط به لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی قرار دارد.

بنابراین با توجه به اهمیت نقش زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال در جامعه، پیشنهاد مقاله آن است که از یک‌سو زمینه‌های لازم جهت افزایش مشارکت زنان را در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی (خصوصاً در کشورهای یمن، اردن، سوریه و ایران که پایین‌ترین نرخ مشارکت زنان در بازار کار و عرصه سیاسی را دارند) فراهم آورند و از سوی دیگر، لوازم و امکانات بهداشتی و آموزش‌های مورد نیاز جهت کنترل باروری (خصوصاً در کشورهای یمن، تونس، عراق، مصر و سودان) را در جامعه ارائه دهند تا از این طریق مسیر رشد و توسعه جوامع خود را هموارتر سازند.

References:

1. Abbas Zadeh, S. (2015). *Comparative Study of the Country's Five Development Plans Regarding Gender Justice: With Emphasis on Iran Women Higher Education and Comparing That with Universal Criteria, women's study*, 6(1), pp: 97-130. [In Persian]
2. Arora, R. (2012): *Gender Inequality, Economic Development, and Globalization: A State Level Analysis of India. The Journal of Developing Areas*, 46(1); pp: 147-163.
3. Azarbaijani, K, Mostafaei, H. (2011). *The Impact of Gender Inequality on Economic Growth and Total Factor Productivity in the Selected Countries (1993-2006), Economic Development Research*, 1 (2), pp: 83-112. [In Persian]
4. Burnette, J. (2009). *Gender, Work and Wages in Industrial Revolution Britain*. 63:1-10.
5. Duflo, E. (2010). *Gender inequality and development. ABCDE Conference. Stockholm. May*.
6. Faraji Sabokbar, F, Rezvani, MR, Behnam Morshedi, H, Roustae, H. (2014). *Spatial Classifying of Tourism Routes in Fars Province Based on Tourism Services and Facilities, Human Geography Research*, 46(3), pp: 561-586. [In Persian]
7. Ferrant, G. (2011). *How Gender Inequalities Hinder Development: Cross Country Evidence, CES Working Papers*, 2011.12.
8. Fotros, M H, Ahmadvand, N, Amini rad, M. (2019). *The Determinants of Gender Equality in Youth Employment in Developing Countries, Social Welfare*, 18 (71), pp:47-85. [In Persian]
9. Hakura, Dalia; Hussain Mumtaz, Newiak Monique, Thakoor Vimal, Yang Fan, Hakura Dalia S, Hussain Mumtaz, Newiak Monique, Thakoor Vimal, and Yang Fan (2016), "Inequality, Gender Gaps and Economic Growth: Comparative Evidence for Sub-Saharan Africa", IMF Working Paper.
10. Hayati, D, Moghaddam, MR, Valizadeh, N. (2017). *Analysis of Factors Influencing Gender Inequality among Poor Farmers' Households: The Case of Rural Areas in Sarvestan County, Fars Province, Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 13(1), pp: 211-227. [In Persian]

11. Jaliliyan, S, Heshmatollah, S.(2016).*The Role of Rural Women's Home Business and Empowerment on Family Economic Decision-making (Case study: Islam-Abad Gharb County)*. *Journal of Regional Planning*, 6(21), pp: 129-142. [In Persian]
12. Khani, F. (2010). *An analytical framework for studying gender inequality*. *Women in Development and Politics*, 8(3), pp: 7-30. [In Persian]
13. Kheyredoset, Z, Nasiri, B. (2015). *Comparison of comparative development indicators for women in Iran and its neighboring countries, a women's specific Research*, *Institute for Humanities and Cultural Studies*, 6(1), pp: 65- 47. [In Persian]
14. Mahmoodzadeh, J., Shahrabi, M., Pariazar, M., S. Zaeri. (2007), *Project Selection by Using Fuzzy AHP and TOPSIS Technique*, *World Academy of Science*, 333-338
15. Mohamadi, S, Sobhani, N. (2018).*Evaluation of Sustainable Development Indicators in the Middle East with an emphasis On Country Iran*, *Geographical Planning of Space*, 8(28), pp: 99-114. [In Persian]
16. Niaca, Kh, Javanmarda, M. (2015).*Survey of Human Development Indicators with Emphasis on Discrimination and Gender Inequality in Rural Areas*, *Woman and Culture*, 7(25), pp: 107-117. [In Persian]
17. Open Stax College (2013). *introduction to sociology*, Houston: Rice Univercity.
18. Pourtaheri, M, Pourverdi Nejat, M. (2009). *The Examining of Sexual Inequality among Rural Women: Case Study of Guilan Province*. *Journal of Historical Sociology*, 1 (2), pp:115-155. [In Persian]
19. Razmey, MJ, Kavooosi, Sh. (2014). *Investigating the relationship between economic development and gender inequality in Iran*, *Journal of Economics and Regional Development*, 8(21), pp: 120-99. [In Persian]
20. Safarelizadeh, E, Hosseinzadeh, R, Akbari, M. (2018).*The Analysis of the Relative Performance of the Middle East in Terms of Sustainable Development Indices*, *Journal of Regional Planning*, 8(29), pp: 1-12. [In Persian]
21. Safari, H, Danesh, P, Safir, Kh, Fakhraei, S. (2018).*Explaining Gender Inequality in NGOs of East Azerbaijan Province*, *Social Studies and Research in Iran*, 7(1), pp: 179-200. [In Persian]
22. Salehi, M. J, Rohineyl, Sh, Anteziry, Y. (2012). *Calculate the gender inequality of human capital in Iran and other parts of the world*, *newspapers Higher Education*, 5(19), p p: 51-27. [In Persian]
23. Seguino, S., Were, M. (2014). *Gender, Development, and Growth in Sub-Saharan Africa*. *Journal of African Economies*, Forthcoming, 23(1): 18-61.
24. Shekarbeigi, A. (2017).*Gender inequality and its related factors among the women citizens of Boukan and Miandoab*, *Women's Studies*, 8(3), pp: 67-47. [In Persian]
25. Shohani, N, Veysi Nab, B, Amirian, S, Mohammad Hassan, Y. (2019).*The study of Comparative situation Gender Inequality Index in the countries of the Indian subcontinent*, *Journal of Subcontinent Researches*, 11 (36), pp: 141-156. [In Persian]
26. Shohani, N, Veysi Nab, B, Kodayi, S, Amirian, S. (2018). *Assessing Development Status of Health - Treatment Indicator by Using Planning Tecniques and Providing a Composite Model (Case Study: Zagros Region)*, *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13(1), pp: 235-250. [In Persian]
27. UNDP, (2018a), *Human Development Report*, NY: Oxford University Press.
28. UNDP, (2018b): *Human Development Iraq*, pp: 1-8.
29. UNDP, (2018c): *Human Development Jordan*, pp: 1-8.
30. UNDP, (2018d): *Human Development Kuwait*, pp: 1-8.
31. UNDP, (2018e): *Human Development Lebanon*, pp: 1-8.
32. UNDP, (2018f): *Human Development Libya*, pp: 1-8.
33. UNDP, (2018g): *Human Development Oman*, pp: 1-8.
34. UNDP, (2018h): *Human Development Qatar*, pp: 1-8.
35. UNDP, (2018i): *Human Development Report Egypt*, pp: 1-8.
36. UNDP, (2018j): *Human Development Report Islamic Republic of Iran*, pp: 1-8.

37. UNDP, (2018k): *Human Development Report United Arab Emirates*, pp: 1-8.
38. UNDP, (2018l): *Human Development Saudi Arabia*, pp: 1-8.
39. UNDP, (2018m): *Human Development Sudan*, pp: 1-8.
40. UNDP, (2018n): *Human Development Syrian Arab Republic*, pp: 1-8.
41. UNDP, (2018o): *Human Development Tunisia*, pp 1-8.
42. UNDP, (2018p): *Human Development Turkey*, pp 1-8.
43. UNDP, (2018q): *Human Development Yemen*, pp 1-8.
44. Vafaei, A, Tarkarani, M. (2015). *Investigating the Effect of the Type and Extent of Rural Women's Activities on the Level of Their Socio-economic Rights*, *Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 12(4), pp: 119-148. [In Persian]
45. Vergolini, L. (2016). *Social inequalities in higher education participation in a period of educational reforms and economic recession: evidence from an italian province*. research institute for the evaluation of public policies bruno kessler foundationfbk-irvapp working paper.
46. Veysi nab, F, Babaei Aghdam, F, Ebrahimzadeh Asmyrn, H. (2013). *A comparative analysis of the human development index in the Indian sub-continent*, *subcontinent Studies*,5(17), pp: 153-170. [In Persian]
47. Viaz Barzan M, Hatami, R. (2010). *The effect of gender equality on economic growth in selected developing countries (06-2000) time system model*, *Journal of Quantitative Economics*, 7(1), pp: 73-53. [In Persian]
48. Zajkowska, O. (2013). *Gender Gap in Poland - Blinder-Oaxaca Decomposition*. *Quantitative Methods in Economics*, 14(2): 272-278.
49. Zanjani Zadeh, H. (2005). *Analysis of the relationship between education and gender inequality*, *Journal of Education*, 23 (3), pp: 55-70. [In Persian]



Research Paper

Analysis of Gender inequality Indicators in Middle Eastern Countries By Using the Copra's Technique

Sohrab Amirian: Assistant Professor, Department of Geography, Payame Noor University
Shahram Salamati Gablo: PhD student of Geography and Urban Planning, university of Tabriz, Tabriz, Iran.
Borhan Veysi Nab¹: PhD student of Geography and Urban Planning, university of Tabriz, Tabriz, Iran.

. Received: 2019/6/1 PP: 13- 14 Accepted: 2019/11/28

Abstract

GI refers to the difference and discrimination between men and women in the economic, political, social, and health etc. objectives of which the individual or group assumes their power and dignity. Studies show that without regard for women's conditions, development cannot be achieved for any country, since women always account for half the population of each country; Therefore, the present study uses a descriptive-analytical approach to pursue two main goals: a) ranking the Middle Eastern countries (16 countries) based on the GII; b) leveling the Middle Eastern countries based on the GII. The research population includes 16 Middle Eastern countries. The data required for research are collected through the Human Development Report and Gender Inequality United Nations in 2018. Research variables included 6 variables: Maternal mortality ratio (for every 100,000 live births), adolescent birth rate (births per 1,000 women), Female seats in parliament (%), Labour force participation rate (%), Population with at least some secondary education (%) and Life expectancy at birth (Female). AHP method is used to assess the variables of the research, and copra's technique is used for ranking and evaluating the desirability status of the Gender Inequality Index in the Middle East, The results of the research indicate that from 16 Middle Eastern countries, Kuwait, Libya, Qatar and Saudi Arabia ranked first to fourth in a perfectly favorable position in terms of gender inequality index, Indeed, there is little discrimination between men and women in comparison to other Middle Eastern countries; Yemen and Sudan are in the most unfavorable position in the last rankings, this shows the huge difference and discrimination between men and women in all cases in both countries. Also the country of Iran with the score of the copra's 55/542% is ranked ninth and the average utility status is in terms of the GII.

Key words: Gender Inequality Index, Middle Eastern Countries, Leveling, Copra's Technique.

Extended Abstract

Introduction:

Gender inequalities are an important factor in creating conditions that discriminate against women due to social requirements and restrictions, social and ethical laws, and customs. The position of women in society is deeply influenced by the conditions and levels of development in countries. Hence, as countries become more developed, the gap between the development of men and women narrow. Therefore, improving the status of women is one of the key requirements for improving development indicators in any society. In other words, no country can achieve development without regard to women's conditions (Khani, 2010: 8), because women, as half of the world's population, are at the heart of every nation's socio-economic development (Jaliliyan & Heshmatollah, 2016: 130). The Middle East is largely due to the geopolitical importance and vast oil reserves of the world, which, despite its abundant natural resources, have suffered from common challenges that have created serious obstacles to their sustainable development (Mohamadi & Sobhani, 2018: 100). One of the most important obstacles in the development process of these countries is the gender inequality and the lack

¹ - Corresponding Author's Emai, borhanveysi@gmail.com, Tel: +989367132406

of serious participation of women in the development process of these countries which impedes the exploitation of the capacities of half of their population. So according to the points presented in the present study, it is attempted to determine the descriptive-analytical approach of the situation of Middle East countries (16 countries) based on Gender Inequality Index using Copra's technique; the status of this gender inequality has been examined in economic, political, health, and educational dimensions. Therefore, with respect to the stated goals, the present study seeks to answer the following question: *How is the status and ranking of Middle Eastern countries based on gender inequality index?*

Methodology:

The present study according type is descriptive-analytical and according purpose is practical-theoretical purpose. Which a descriptive method based on the analysis of statistics and information derived from valid scientific documents and in the analysis of these indicators in the countries under study, analytical method is used. This comparative study is based on the Human Development Report and Gender Inequality Index of the United Nations Development Program 2018; therefore, the required data are based on these reports. The statistical population of the study consisted of 16 countries in the Middle East (Iran, Turkey, Syria, Iraq, Lebanon, Jordan, Kuwait, Oman, UAE, Qatar, Saudi Arabia, Yemen, Tunisia, Libya, Egypt and Sudan). Gender inequality data, which includes six main variables based on the UN report on economic, social, political and health dimensions. Also in this study, the Analytic hierarchy process method was used to weight and determine the degree of importance of the variables. Finally, the Copra's technique was used to ranking and leveling countries in the Middle East in terms of gender inequality.

Results and discussion:

Kuwait ranks first and highest in desirability of lacking gender inequality indicators. After Kuwait, three countries, Libya, Qatar and Saudi Arabia, with Copra's values of 92/479, 81/643 and 81/190 Percent, respectively are in the second to fourth position in Not having of gender inequality. These countries and Kuwait Placed into the category of desirable countries; in fact, the discrimination and difference between men and women in this group is much lower than in other countries. Group of countries that are relatively desirable in terms of gender inequality index includes 4 countries; that is, 25% of countries are as follows; Respectively, Oman ranks 4th with Copra's values of 74/467 percent; UAE with Copra's values of 72/876 percent ranks 6th and Lebanon, and Turkey with 67/360 and 60/065 Copra's values, ranks 7th and 8th. Iran, as the first country, along with the three Tunisia countries - Jordan and Egypt - are in the middle position in terms of gender inequality index. Syria and Iraq, which are war-torn countries, placed into the category of relatively undesirable countries in terms of gender inequality. And finally, Sudan and Yemen are ranked last (15th and 16th) and are in the most unfavorable position in terms of discrimination and inequality between men and women, So that the difference between men and women is at its maximum and men always outnumber women in all things.

Conclusion:

The situation of gender inequality in the Middle East countries can be divided into 5 levels: completely favorable, favorable, moderate, unfavorable, and completely unfavorable. The findings suggest that countries such as Syria, Iraq and Yemen that are involved in war and indeed war-torn countries are not in a good status, in fact, gender inequality and discrimination between men and women in these countries is very high. Sudan is also in this group and is not in good status. Most of the Persian Gulf countries with high oil income and low population are in a good position and the differences between men and women in these countries in the context of the variables mentioned in the study are low. Meanwhile, the four countries of Kuwait, Libya, Qatar and Saudi Arabia are in very good status. Oman ranks fifth with Copra's values of 74/467 percent; The UAE ranks sixth, and Lebanon and Turkey rank seventh and eighth, respectively. Iran ranks ninth with a 54/552 percent Copra's values and is in average utility status of gender inequality index. Therefore, considering the importance of women as a half of the active population in society, the present paper proposes, on the one hand, to increase the participation of women in various economic and social spheres (especially in Yemen, Jordan, Syria and Iran) provide the highest rates of participation of women in the labor market and in the political arena, on the other hand, provide the health facilities and training needed to control fertility (especially in Yemen, Tunisia, Iraq, Egypt, and Sudan) in order to pave the way for the growth of their communities.